قاتل: دلم برای دخترم تنگ شده است

مرد خیاط پس از اینکه دختری جوان را در خانه‌اش به قتل رساند و از محل گریخت فهمید که راهی برای گریز ندارد، بنابراین خودش را تسلیم پلیس کرد. او در جلسه بازجویی که روز گذشته برگزار شد گفت که از کاری که کرده به شدت پشیمان است و بیشتر از همه دلش برای دختر خردسالش تنگ شده است.

به گزارش جوان، ساعت ۱۸:۳۰ روز دوشنبه ۲۷ تیرماه امسال به مأموران کلانتری ۱۲۸ تهران‌نو خبر رسید دختر جوانی داخل پذیرایی خانه‌اش در طبقه سوم ساختمان مسکونی در خیابان صفا نزدیکی میدان امام‌حسین(ع) به طرز مرموزی به قتل رسیده است.

مأموران پلیس وقتی پای در قتلگاه دختر جوان گذاشتند با جسد خونین دختر ۳۵ساله‌ای به نام مهین روبه‌رو شدند که با اصابت ۱۰ضربه چاقو به گردن، صورت و کتف‌هایش به قتل رسیده بود. مأموران بلافاصله موضوع را به بازپرس ویژه قتل دادسرای امور جنایی تهران اطلاع دادند و دقایقی بعد قاضی مصطفی واحدی همراه تیمی از کارآگاهان اداره دهم پلیس آگاهی در محل تحقیقات خود را آغاز کردند.

روی صندلی نشسته است و آرام و قرار ندارد، گاهی سرش را پایین می‌آورد و میان دستانش قرار می‌دهد و گاهی هم سرش را می‌چرخاند و زیر لب حرف‌هایی زمزمه می‌کند. مدعی است که تاالان هیچ جرمی مرتکب نشده و حتی پایش هم به کلانتری باز نشده است. قاتل به خبرنگار ما می‌گوید: خیلی پشیمانم و می‌دانم مجازاتم چوبه‌دار است، اما دلم خیلی برای دختر خردسالم تنگ شده‌است.

بابک چه کاره‌ای؟

من خیاط هستم و در کارگاه تولیدی دوزندگی می‌کنم.

سابقه داری؟

نه، من تاالان کوچکترین خطایی مرتکب نشده‌ام. حتی به کلانتری هم نرفته بودم.

اما بزرگترین جرم را مرتکب شدی؟

بله، من الان قاتل هستم.

چطوری با مقتول آشنا شدی؟

مقتول محل کارش در نزدیکی خانه ما بود. او در فروشگاه بزرگی که متعلق به دایی‌اش بود فروشندگی می‌کرد و همسر و فرزند خردسالم برای خرید مواد غذایی و تنقلات به آنجا رفت و آمد داشتند. من هم چندباری همراه دخترم به فروشگاه رفتم و برای او شکلات خریدم که با مقتول آشنا شدم. روز آشنایی ما دایی‌اش از من سؤال کرد که چه کاره‌ام و من گفتم در تولیدی تی‌شرت مردانه کار می‌کنم. مقتول و دایی‌اش از من خواستند برای آنها تی‌شرت ببرم که تلفن همراه مرا گرفتند تا تماس بگیرند.

پس از این مهین چندباری با من تماس گرفت و درباره رنگ، جنس و قیمت تی‌شرت‌ها سؤال کرد و بعد هم که از طریق واتساپ با هم در تماس بودیم تا اینکه پنج‌عدد تی‌شرت سفارش داد و پول آن را به کارتم واریز کرد. از آن روز به بعد ما با هم ارتباط تلفنی و پیامکی داشتیم و آشنایی و رابطه ما بیشتر شد تا اینکه در نهایت این رابطه رنگ خون گرفت.

چرا او را به قتل رساندی؟

او از من پول می‌خواست و مرا تهدید می‌کرد که آبرویم را پیش همسر و بستگانم می‌برد و من هم به صورت اتفاقی او را به قتل رساندم.

یعنی هر کسی از شما پول بخواهد باید او را بکشی؟

نه، من می‌خواستم او را بترسانم و از خانه‌اش بیرون بیایم که چاقو به او اصابت کرد و بعد هم نفهمیدم که چند ضربه به او چاقو زدم.

درباره روز حادثه توضیح بده.

مقتول آپارتمانش را تازه خریده بود و آن روز گفت که قرار است تعمیرکار ساختمانی برای تعمیرات به خانه‌اش برود و از من خواست او را به خانه‌اش برسانم. من با موتورسیکلتم او را رساندم و بعد هم وسایل همراهش را تا دم آپارتمانش بردم که از من خواست وارد خانه‌اش شوم و درباره تغییر دکوراسیون نظر دهم. دقایقی بعد مهین گفت که به خاطر خرید خانه بدهکار شده است و گفت به او ۱۰میلیون تومان قرض بدهم. به او گفتم که من کارگر هستم و حتی برای اجاره خانه‌ام مشکل دارم چه برسد به اینکه به او قرض بدهم. اما مهین اصرار داشت و می‌گفت باید به او پول بدهم که به طرف در رفتم تا خارج شوم اما مانع من شد و مرا به طرف آشپزخانه هل داد. او تهدید کرد اگر به او پول ندهم تمامی پیامک‌ها و عکس‌های مرا برای همسرم می‌فرستد و زندگی‌ام را خراب می‌کند. از طرفی هم گفت الان شروع به داد و فریاد و از همسایه‌ها درخواست کمک می‌کند که متوجه چاقویی روی میز آشپزخانه شدم و آن را برداشتم که بترسانمش. چاقو را به طرفش پرت کردم که به گردنش اصابت کرد و بعد هم نفهمیدم که چند ضربه به آن زدم.

چرا اموالش را سرقت کردی؟

من فقط گوشی‌اش را سرقت کردم که پیام‌ها و عکس‌هایم را پاک کنم و ردی از خودم به جای نگذارم.

بعد از حادثه کجا رفتی؟

به محل کارم رفتم.

عذاب وجدان نداشتی؟

آنقدر عذاب وجدان داشتم که در نهایت خودم به اداره پلیس رفتم و به قتل اعتراف کردم.

حرف آخر.

خیلی پشیمانم و خیلی دلم برای دخترم تنگ شده‌است.

■ **قرار با تعمیرکار ساختمان**

نخستین بررسی‌ها حکایت از آن داشت آپارتمان محل حادثه متعلق به مقتول است که به تازگی خریده است و قرار بوده در آن تعمیرات انجام دهد که به طرز مشکوکی داخل آن به قتل می‌رسد. تیم جنایی در نخستین گام از برادر مقتول که موضوع را به مأموران پلیس خبر داده‌بود تحقیق کردند.

وی گفت: ما دو خواهر و دو برادر بودیم و پدر و مادرمان هم فوت کرده بودند. برادرم و یکی از خواهرهایم ازدواج کرده‌اند، اما من و مهین مجرد بودیم و با هم زندگی می‌کردیم.

مهین در یک فروشگاه بزرگ فروشندگی می‌کرد و وضع مالی‌اش خوب بود. او با فروش طلاها و آپارتمانش و پس‌اندازی که داشت این آپارتمان را که بزرگ‌تر بود خرید اما از آنجایی که کمی قدیمی بود، تصمیم گرفت آن را تعمیر کند. صبح که از خانه بیرون رفت به من گفت که کلید یدک را به تعمیرکار ساختمان داده است و قرار است او برای تعمیر به آپارتمانش برود. من صبح چندباری با او تماس گرفتم اما جواب نداد و احتمال دادم که در محل کارش سرش شلوغ است تا اینکه ساعت ۱۷ برای آخرین بار که تماس گرفتم و جواب نداد نگران شدم و به در خانه‌اش آمدم. زمانی که من رسیدم تعمیرکار هم رسید و گفت با خواهرم قرار داشته‌است.

او با کلید یدک در آپارتمان را باز کرد که با این صحنه هولناک روبه‌رو شدیم.

■ **سرقت اموال مقتول**

معاینات تیم پزشکی قانونی در محل حادثه نشان داد حدود ۸ساعت از مرگ دختر جوان گذشته است و از سوی دیگر مأموران پلیس در بررسی‌های محل حادثه دریافتند کیف پول، مدارک و تلفن همراه گرانقیمت مقتول نیز به سرقت رفته است.

همزمان با انتقال جسد به پزشکی قانونی تیم جنایی تحقیقات گسترده‌ای را برای شناسایی عامل قتل آغاز کردند که بررسی‌های فنی نشان داد مقتول از مدتی قبل با مرد ۳۶ساله‌ای به نام بابک ارتباط تلفنی و پیامکی داشته است.

همچنین تحقیقات پلیسی نشان داد بابک همراه خانواده‌اش در آپارتمان مسکونی در نزدیکی محل کار مقتول زندگی می‌کند.

■ **تسلیم پلیس**

در حالی که مأموران پلیس بابک را به عنوان مظنون حادثه تحت نظر گرفته بودند، وی صبح روز یکشنبه سوم مرداد به اداره پلیس رفت و با اظهار پشیمانی به قتل دختر جوان اعتراف کرد. متهم صبح دیروز هم برای بازجویی به دادسرای امور جنایی تهران منتقل شد.

افزایش ۴۰ درصدی مخدوش کردن پلاک خودرو در پایتخت

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ با تأکید بر اینکه روزانه ۲۰میلیون سفر در پایتخت صورت می‌گیرد از افزایش مخدوش کردن پلاک خودروها برای دور زدن قانون خبر داد.

سردار محمدحسین حمیدی در نشست خبری روز گذشته گفت که از ابتدای سال ۹۸ هزار و ۳۱۱موتورسوار متخلف در قالب طرح «موتور یار» تحت آموزش قرار گرفتند که نتیجه آن به‌رغم افزایش استفاده از موتورسیکلت، کاهش دودرصدی سوانح رانندگی موتور را شاهد بودیم. وی به پوشش پلاک خودرو به عنوان تخلف‌های شایع اشاره کرد و گفت که بیش از ۴۴هزار و ۴۹۷خودرو در این باره اعمال قانون شده و ۷۶۰دستگاه وسیله نقلیه هم توقیف شده است که بروز این تخلف نسبت به مدت مشابه سال گذشته ۴۰ رشد داشته است.

وی گفت که یکی از مسیرهای دور زدن قانون، دستکاری پلاک است که مأموران پلیس و دوربین‌های شهری و برون‌شهری، این تخلف‌ها را ثبت می‌کنند.

رئیس پلیس راهور تهران بزرگ تأکید کرد که وقتی پلاک دستکاری شود، برای فردی که تخلفی نداشته جریمه صادر می‌شود، بنابراین باید آنقدر هزینه تخلف توسط ما و مرجع قضایی بالا رود که حق از فرد دیگری ضایع نشود، برخی از جرائم اشتباهی صادر شده مربوط به دستکاری پلاک است، مراکز رسیدگی ما در این موضوع فعال هستند و به این موارد رسیدگی می‌کنند همچنین با متخلفان بدون اغماض برخورد می‌شود. سردار حمیدی در مورد ترخیص موتورسیکلت و خودروهای رسوبی هم گفت که امسال ۵هزار و ۸۹۳موتورسیکلت و ۷۲۰خودروی رسوبی ترخیص شده است.

رئیس پلیس راهور تهران از رشد ۱۴درصدی برخورد با تخلفات حادثه‌ساز نسبت به مدت مشابه سال قبل خبر داد و گفت: میانگین زمان رسیدگی به تصادفات از ۱۲دقیقه به ۱۰/۵دقیقه کاهش یافته است. سردار حمیدی در مورد موتورسواری زنان هم گفت: معیار برای ما داشتن گواهینامه موتورسیکلت است و هر فردی که فاقد گواهینامه باشد با او برخورد می‌کنیم. در مورد موتورسواری زنان موارد محدود است که با آن برخورد شده و وسیله نیز توقیف شده است. اما هر کسی گواهینامه موتورسیکلت داشته باشد می‌تواند با موتور رانندگی کند. وی با بیان اینکه امسال پلیس راهور برای سومین سال متوالی روند کاهش فوتی‌های ناشی از تصادفات رانندگی را داشت، گفت: حفظ این روند بسیار دشوار است به ویژه آن که تعداد وسایل نقلیه و کاربران ترافیک نیز افزایش یافته است.

حمیدی در پایان گفت که در اوج ترافیک روزانه حدود ۲هزار و ۳۰۰ تصادف جرحی و خسارتی در تهران داریم این در حالیست که بالغ بر ۵هزار تقاطع چراغ‌دار و ۲۰میلیون سفر در روز در پایتخت صورت می‌گیرد.

۲ کشته در نزاع اوباش قائم‌شهر

درگیری اوباش در یکی از باشگاه‌های شهرستان قائم‌شهر دو کشته برجای گذاشت.

سرهنگ مهدی خادمی، فرمانده انتظامی قائمشهر توضیح داد: ساعت ۱۸:۴۴ یکشنبه مأموران پلیس از حادثه تیراندازی در یک باشگاه بدنسازی با خبر شده و در محل حاضر شدند.

بررسی‌ها نشان داد که سه مرد جوان پس از حضور در باشگاه با سلاح شکاری شروع به تیراندازی کرده و با خودروی پراید سفیدرنگ از محل متواری شده‌اند.

بررسی‌ها نشان داد که در جریان تیراندازی سه نفر از ناحیه پا، دست و شکم هدف اصابت گلوله قرار گرفته‌اند که به بیمارستان منتقل شدند.

در تحقیقات بعدی مشخص شد که دو نفر از آنها به علت شدت جراحت فوت شده‌اند. بعد از آن بود که پرونده با موضوع قتل تشکیل شد و بررسی‌ها نشان داد که درگیری خونین بین چند نفر از اوباش رقم خورده که یکی از متهمان پرونده شناسایی و بازداشت شد. تحقیقات برای بازداشت دو متهم دیگر جریان دارد.

فرار پس از آتش زدن خودروی حامل سیلندر گاز

سه مرد آتش‌افروز در شهرستان ایرانشهر پس از آتش زدن خودروی حامل ۱۵۰سیلندر گاز از محل متواری شدند.

علی شعبانی، فرماندار شهرستان ایرانشهر در توضیح حادثه گفت: در چند روز گذشته سه نفر از رانندگان خودروی حامل سیلندر گاز به بیماری کرونا مبتلا شدند برای همین در حمل گاز به شهر مشکلاتی ایجاد شد. وی با بیان اینکه توزیع سیلندر گاز فقط در محله‌های تعریف شده در سطح شهر انجام می‌شود و مراجعه به شرکت‌های گاز ممنوع است، ادامه داد: روز گذشته سه نفر برای گرفتن سیلندر گاز به شرکت مکران گاز مراجعه کردند که به علت ممنوعیت تحویل گاز مقابل شرکت، پرسنل از تحویل سیلندر به آنها خودداری و اعلام کردند که خودروی حامل سیلندر به داخل شهر می‌رود و از آنجا سیلندر را تحویل بگیرند. این افراد اما در مسیر شرکت مکران گاز به ایرانشهر خودروی حامل سیلندر را متوقف کرده و آن را آتش زدند که ۱۵۰ سیلندر گاز همراه خودرو منفجر شد که خوشبختانه به کسی آسیب نرسید. تحقیقات برای بازداشت عاملان حادثه جریان دارد.

سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره کل ثبت اسناد و املاک استان خراسان رضوی
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک فریمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی
آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی
برابرای شماره ۱۴۰۰۶۰۳۰۶۰۲۲۰۰۰۱۹۳ هیات اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقدسندرسمی مستقردرواحدثبتی حوزه ثبت ملک فریمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اصغرفرامرزی فرزندابوالقاسم بشماره شناسنامه ۳ کدملی ۰۸۴۹۴۸۱۳۱۷ صادره از فریمان دریک باب ساختمان به مساحت ۲۰ مترمربع پلاک فرعی ازباقیمانده ۲۷۶ اصلی واقع در بخش ۱۳ خریداری ازبنیادمستضعفان محرز گردیده است. لذابه منظوراطلاع عموم مراتب دردونوبت بفاصله ۱۵ روز آگهی می شوددرصورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند ازتاریخ انتشاراولین آگهی بمدت دوماه اعتراض خود رابه این اداره تسلیم وپس ازاخذرسید، ظرف مدت یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خودرابمراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور وعدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادرخواهدشد.
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۰/۴/۲۲
تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۰/۵/۵
محمدرضا رجایی مقدم – رئیس اداره ثبت اسناد و املاک

حمید صفت: خسته شدم

حمید صفت، خواننده رپ که به اتهام قتل پدرخوانده‌اش روزگارش را در زندان سپری می‌کند می‌گوید که از کش‌وقوس‌های پرونده خسته شده‌است. او می‌گوید از مردادسال ۹۶ که پایش به پرونده باز شده جوانی‌اش هم در حال هدر رفتن است. این خواننده رپ در جلسات رسیدگی به پرونده از هیئت رسیدگی کننده درخواست کرده حرفش را قبول کنند که قصد قتل پیرمرد را نداشته و حادثه اتفاقی رقم خورده است. درخواستی که تاکنون پذیرفته نشده است. او حالا باید منتظر استعلام کارشناسان پزشکی قانونی باشد.

به گزارش جوان، ۲۴ مردادسال ۹۶، مأموران کلانتری ۱۴۵ ونک از مرگ مشکوک مرد ۶۶ساله به نام هوشنگ در بیمارستان فیروزگر تهران باخبر و راهی محل شدند. بعد از تحقیقات اولیه مشخص شد جسد متعلق به ناپدری خواننده زیرزمینی به نام حمیدرضا امیری صفت معروف به حمید صفت است که در جریان درگیری با وی مصدوم و به بیمارستان منتقل شده است. با انتقال جسد به پزشکی قانونی حمید به عنوان مظنون به قتل بازداشت شد. او در جریان بازجویی‌ها اما جرمش را انکار کرد و مدعی بود قتل عمدی نبوده است. او در شرح ماجرا گفت: «روز قبل از حادثه برادرم که مقیم امریکاست تماس گرفت و گفت با مادرم تماس گرفته است اما حال مادرم خوب نبوده و از شوهرش گلایه داشته‌است. به خاطر نگرانی برادرم به خانه مادرم رفتم که متوجه شدم پدرخوانده‌ام هوشنگ بار دیگر مادرم را کتک زده‌است. او شب قبل نیز مادرم را مقابل چشمان مهمانان‌های آلمانی‌اش کتک زده‌بود. همین باعث درگیری ما شد. در آن درگیری هوشنگ به آشپزخانه رفت و می‌خواست با چاقو حمله کند به همین خاطر برای ترساندن او گلدانی برداشتم و به دیوار کوبیدم. سپس با دستم چند ضربه به سرش زد اما ضربه دیگری به سر و صورت او نزدم.»

بعد از اظهارات متهم، وی بنا به نظر پزشکی قانونی که علت فوت را خونریزی و آسیب مغزی بر اثر اصابت جسم سخت اعلام کرده بود راهی زندان شد اما با اعتراض وکیل متهم، او با قرار وثیقه ۶۰۰میلیون تومانی آزاد شد. بعد از آزادی متهم پرونده بار دیگر به هیئت ۹نفره پزشکی قانونی فرستاده شد تا اینکه کارشناسان اعلام کردند عمل متهم به نوعی کشنده نبوده و بیماری مقتول نیز در مرگ او نقش داشته است. با اعلام این نظریه، پرونده به دادگاه کیفری یک استان تهران ارسال شد، اما با اعتراض دوباره اولیای دم پرونده به دادسرای امور جنایی منتقل و سپس به دستور قاضی ساسان غلامی، بازپرس شعبه سوم دادسرای امور جنایی به هیئت ۱۱ نفره پزشکی قانونی فرستاده شد تا اینکه کارشناسان طی گزارشی نقش بیماری مقتول در قتل را تأیید کردند. به این ترتیب کیفرخواست بنا به ماده ۲۹۰ قانون مجازات اسلامی مبنی بر اینکه اگر کسی آگاهی داشته باشد که فرد بیمار است و با او درگیر شود، گرچه عمل نوعاً کشنده نباشد، به اتهام قتل عمد در ۱۰۰ صفحه تنظیم و صادر شد.

■ **محاکمه اول و صدور حکم قصاص**

متهم بعد از صدور کیفرخواست در اولین جلسه رسیدگی به پرونده مقابل هیئت قضایی شعبه دهم دادگاه کیفری یک استان تهران قرار گرفت، اما جلسه به دلیل قرائت طولانی کیفرخواست به روز بعد موکول شد. در روز دوم رسیدگی به پرونده، هیئت قضایی قبل از شروع جلسه برای بررسی نظریه پزشکی قانونی و ویدئو اسکن مقتول با پزشک فوق متخصص جلسه‌ای تشکیل دادند. بعد از اتمام آن جلسه، رسمیت جلسه محاکمه اعلام شد، سپس یکی از پسران مقتول در جایگاه قرار گرفت و درخواست قصاص کرد.

در ادامه متهم در جایگاه قرار گرفت و با انکار جرمش با پاسخ به سؤالات هیئت قضایی از خودش دفاع کرد و درباره اظهارات اولیه‌اش گفت: «ضربات کشنده نبود. روزی که بازداشت شدم قرار شد مادرم به آنجا احضار شود. نمی‌خواستم او به آن مکان بیاید. این شد که ضربات سخت با دستم را قبول کردم.»

متهم در آن جلسه بنا به درخواست نماینده دادستان مبنی بر تشدید قرار بازداشت موقت، به دستور هیئت قضایی بازداشت و راهی زندان شد. سپس با حکم قضایی به قصاص محکوم شد.

■ **نقض حکم قصاص و محاکمه دوم**

این حکم با اعتراض وکلای متهم به دیوان عالی کشور فرستاده شد تا اینکه رأی صادره از سوی شعبه ۳۹ دیوان نقض و به شعبه همعرض ارجاع داده شد. به این ترتیب پرونده بار دیگر روی میز هیئت قضایی شعبه هشتم دادگاه کیفری یک استان تهران به ریاست قاضی رحمانیان قرار گرفت. بعد از اعلام رسمیت جلسه، نماینده دادستان متن کیفرخواست را قرائت کرد. سپس وکیل اولیای دم در غیاب آنها بار دیگر درخواست قصاص کرد. در ادامه متهم که از زندان به دادگاه اعزام شده بود در جایگاه قرار گرفت. او درباره اتهامش گفت: «قتل عمدی را قبول ندارم. من در آن درگیری ناپدری‌ام را هل دادم و ضرباتی که به او وارد شد کشنده نبود.»

او در ادامه در حالی که چند عکس از خودش و مقتول را در دست داشت و در طول دفاعیاتش به هیئت قضای نشان می‌داد به سؤالات هیئت قضایی پاسخ داد.

قاضی: آیا از سابقه بیماری‌های ناپدری‌ات اطلاع داشتی؟

متهم: خیر، باور کنید نمی‌دانستم از داروهای خاص استفاده می‌کند. هوشنگ هشت‌ماه از سال را در آلمان زندگی می‌کرد و من اطلاعی از جزئیات زندگی او نداشتم. من و او رابطه خوبی با هم داشتیم. با هم به رستوران و تفریح می‌رفتیم. حتی چند روز قبل از این ماجرا او برایم تولد گرفت و با اینکه بیماری قند داشت از کیک تولدم خورد. ولی آدم درون گرایی بود و هیچ وقت از بیماری‌هایش صحبت نمی‌کرد و بروز نمی‌داد.

او در ادامه گفت: گاهی اوقات همراه هوشنگ به باشگاه می‌رفتم. چند باری دیده بودم که با دستگاه قند خونش را اندازه می‌گیرد، اما از دیگر بیماری‌هایش اطلاعی نداشتم حتی نمی‌دانستم بیماری هپاتیت C دارد.

قاضی: از عمل فنر قلب او چطور؟ مطلع بودی؟

متهم: خیر، فقط روزی متوجه شدم او از آلمان تماس گرفته و با مادرم صحبت می‌کند. بعد گوشی را گرفتم و حالش را پرسیدم که گفت خوبم و فقط کمی ناراحتی قلبی دارم و رفته‌ام پیش دکتر. بیشتر از این توضیحی نداد. بعد از حادثه و در روزهایی که بیمارستان بود از مادرم شنیدم که عمل قلب کرده‌بود و داروهای خاص مصرف می‌کرد.

قاضی: آیا از اختلاف او با مادرت خبر داشتی؟

متهم: هوشنگ مردی تندخو و عصبانی بود به همین خاطر آنها با هم اختلاف داشتند، اما اختلاف آنها مانند هر زن و شوهر دیگری خیلی جدی نبود. من همیشه در بحث آنها سعی می‌کردم به مادرم تذکر بدهم اما هرگز به خودم اجازه نمی‌دادم به ناپدری‌ام تذکر بدهم بلکه از او خواهش می‌کردم که کمی آرام باشد. مهریه مادرم ۱۴ سکه بود و اگر آنها اختلاف شدیدی داشتند و مقتول از زندگی با مادرم خسته شده بود می‌توانست به راحتی مادرم را طلاق بدهد.

قاضی: آیا شما به صورت حرفه‌ای ورزش می‌کردید؟

متهم: خیر، قبل از حادثه به خاطر سلامتی و لاغری مشغول ورزش بودم. در جلسه دادگاه قبلی هم گفتم که ورزش بوکس را بعد از آزادی از زندان به صورت حرفه‌ای شروع کردم.

قاضی: شما چند سال را همراه پدرخوانده و مادرت زندگی کردی؟

متهم: در ۱۰ سال زندگی مشترک مادرم با مقتول، من پنج‌سال اول را با پدرم زندگی کردم سپس سه‌سال با مادرم و ناپدری‌ام. اما این دو سال آخر زندگی مستقلی داشتم و تنها بودم.

قاضی: آیا مقتول بعد از درگیری با شما سرحال بود یا روی زمین افتاده بود؟

متهم: او سر حال بود. ما به اصرار دخترش خانه را ترک کردیم. بعد از اینکه مادرم را به خانه پدربزرگم بردم ساعتی بعد تماس گرفت و گفت مقتول در بیمارستان است. در گزارشات بود که متوجه شدیم او با پای خودش تا پای ماشین اورژانس رفته بود و قبل از آن نیز ساعتی با همسایه‌ها صحبت کرده‌بود.

متهم در آخر گفت: «باور کنید من و مقتول رابطه خوبی داشتیم و هیچ انگیزه‌ای برای قتل او نداشتم. چهار سال است به خاطر کش و قوس‌های پرونده بازداشت هستم و جوانی‌ام هدر می‌رود. باور کنید حقیقت را گفته‌ام.»

در پایان هیئت قضایی ادامه جلسه را برای استعلام از کارشناسان پزشکی قانونی به تاریخ دیگری موکول کرد.

حمله پلیس به ۹ انبار کالای قاچاق

رئیس پلیس امنیت اقتصادی تهران بزرگ از کشف ۹ انبار بزرگ کالای قاچاق و بازداشت هشت متهم در این باره خبر داد.

به گزارش جوان، سرهنگ علی ولی‌پور گودرزی توضیح داد: روز گذشته اولین مرحله طرح استانی مقابله با قاچاق انجام شد که در جریان آن مأموران پلیس ۹ محل دپوی کالاهای قاچاق را هدف قرار دادند و مقدار زیادی کالای قاچاق شامل لوازم آشپزخانه، پارچه، لوازم آرایشی، کاشت ناخن و ماینر، فاقد مشخصات و اسناد گمرکی کشف کردند.

در بررسی‌های بعد مشخص شد که این مقدار کالا پس از قاچاق به تهران با نام مارک‌های معتبر کشورهای خارجی در بازار فروخته می‌شود. وی با بیان اینکه هشت متهم در این باره بازداشت شده‌اند، ارزش اموال کشف شده را ۵/۵میلیارد تومان اعلام کرد.

کاشت درخت در بیمارستان به جای رفتن به زندان

یکی از محکومان به جای رفتن به زندان، ۱۰۰ اصله نهال می‌کارد.

حیدر آسیابی رئیس کل دادگستری گلستان گفت: با شکایت آب منطقه‌ای استان فردی که چاه غیرمجاز حفر کرده بود علاوه بر مسدود کردن چاه حفر شده، به حبس هم محکوم شد. اما از آنجا که متهم سابقه نداشت و ابراز ندامت هم کرده بود، قاضی او را به جای زندان به کاشت نهال محکوم کرد.

آسیابی گفت: بر اساس رأی قاضی، این فرد باید ۱۰۰ اصله نهال سه ساله چنار در محوطه فضای سبز بیمارستان بقیه‌الله الاعظم (عج) علی آباد کتول بکارد و مراقبت کند. قاضی در رأی خود برای این فرد نوشته است این رأی از نظر انسانی پسندیده‌تر و از نظر قضایی قابل دفاع‌تر است.

مرگ غم‌انگیز کودک ۸ساله در رودخانه

پسربچه هشت ساله در شهرستان خمام هنگام بازی کنار رودخانه به داخل آب سقوط کرد و جانش را از دست داد.

دو روز قبل به امدادگران شهرستان خمام خبر رسید که پسربچه‌ای هشت ساله هنگام بازی کنار رودخانه در روستای تیسیه شهرستان خمام استان گیلان به داخل آب سقوط کرده است. امدادگران پس از حضور در محل کودک را از آب خارج کرده و تلاش برای احیای وی به جریان افتاد. تلاش امدادگران اما نتیجه نداد و مشخص شد که طفل جانش را از دست داده است که جسد به پزشکی قانونی منتقل شد.